

## مردمی کردن اقتصاد، بخش بیست و یکم

### معماری مردم بنیاد اقتصاد نفت، تکمیل زنجیره ارزش و مشارکت شفاف سرمایه‌های خرد

امیر حسین خدائی – پژوهشگر

#### نفت فقط در آمد دولت نیست، می‌تواند دارایی مردم باشد

نفت و گاز در ایران، سال‌ها بیشتر به‌عنوان منبع درآمد دولت شناخته شده‌اند؛ درآمدی که وارد بودجه می‌شود، بخشی از هزینه‌های کشور را پوشش می‌دهد و مردم معمولاً تنها اثر غیرمستقیم آن را در زندگی خود احساس می‌کنند. اما پرسش اصلی این است: آیا می‌توان نفت را از یک منبع بودجه‌ای دولتی، به یک دارایی مولد برای خانوار ایرانی تبدیل کرد؟

پاسخ این یادداشت روشن است: بله، اگر معماری آن درست طراحی شود.

مردمی‌سازی اقتصاد نفت به معنای تقسیم خام درآمد نفتی یا توزیع پول بدون پشتوانه نیست. معنای درست آن این است که مردم بتوانند، با سرمایه‌های خرد و در قالب سازوکارهای شفاف، در پروژه‌های واقعی زنجیره نفت و گاز مشارکت کنند؛ از پالایش و پتروشیمی گرفته تا بهینه‌سازی مصرف انرژی، تولید محصولات پایین‌دستی، بازیافت ضایعات، خدمات فنی، صنایع محلی و پروژه‌های کوچک منطقه‌ای.

در چنین مدلی، نفت دیگر فقط منبع زیرزمینی نیست؛ بلکه به موتور توسعه، اشتغال، عدالت اقتصادی، شفافیت، مالکیت مردمی و استقلال مالی تدریجی خانوارهای کم‌برخوردار تبدیل می‌شود.

#### چرا این ایده مهم است؟

اقتصاد نفتی ایران تا زمانی که بر خام‌فروشی و تمرکز درآمد در دولت متکی باشد، با چند آسیب جدی روبه‌رو می‌ماند:

مردم سهم مستقیم و ملموسی از ثروت ملی ندارند؛

سرمایه‌های خرد جامعه به سمت بازارهای غیرمولد می‌رود؛

مناطق نفت خیز الزاماً به اندازه سهم خود از تولید، توسعه و اشتغال دریافت نمی‌کنند؛

زنجیره ارزش نفت و گاز کامل نمی‌شود؛

خام‌فروشی، جایگزین تولید محصولات با ارزش افزوده بالا می‌ماند؛

دهک‌های کم‌برخوردار و مددجویان نهادهای حمایتی، بیشتر دریافت‌کننده کمک‌های مصرفی باقی می‌مانند تا مالک دارایی‌های مولد؛

اعتماد عمومی نسبت به پروژه‌های بزرگ اقتصادی کاهش می‌یابد؛

نبود شفافیت در تخصیص خوراک، فروش محصول، اعطای مجوزها و حمایت‌ها، زمینه رانت و تبعیض را افزایش می‌دهد.

در مقابل، اگر مردم در قالب صندوق‌ها، اوراق خرد، شرکت‌های پروژه، بازارهای شفاف، بورس کالا و انرژی، سامانه‌های گزارش‌دهی برخط و نظام‌های نظارت چندلایه وارد این زنجیره شوند، نفت می‌تواند از یک دارایی ملی دور از دسترس، به یک دارایی خانوادگی، منطقه‌ای، شفاف و مولد تبدیل شود.

## **الگوهای موفق قابل فهم برای مردم؛ دنیا چه کرده است؟**

مردمی‌سازی ثروت‌های ملی و تبدیل منابع طبیعی به دارایی عمومی، در جهان تجربه‌های قابل توجهی دارد. البته هیچ‌الگویی را نمی‌توان عیناً کپی کرد، اما می‌توان از منطق موفق آن‌ها استفاده کرد.

### **۱. نروژ؛ صندوق ثروت ملی برای نسل‌ها**

نروژ یکی از شناخته‌شده‌ترین نمونه‌ها در مدیریت درآمد نفت است. این کشور درآمدهای نفتی را صرف هزینه‌های روزمره نکرد، بلکه بخش بزرگی از آن را وارد صندوقی کرد که امروز یکی از بزرگ‌ترین صندوق‌های ثروت ملی جهان است. دارایی این صندوق از مرز هزار میلیارد دلار عبور کرده و برای نسل‌های آینده مردم نروژ سرمایه‌گذاری می‌شود.

درس نروژ برای ایران این است که نفت نباید فقط خرج امروز شود؛ باید به دارایی بلندمدت مردم و نسل‌های آینده تبدیل شود.

## ۲. آلاسکا؛ پرداخت سهم مستقیم از درآمد منابع طبیعی

در ایالت آلاسکا، بخشی از درآمد منابع طبیعی در صندوقی ذخیره می‌شود و مردم به صورت سالانه از سود آن سهم دریافت می‌کنند. این مدل به مردم نشان می‌دهد که منابع طبیعی فقط متعلق به دولت نیست، بلکه جامعه نیز باید سهم قابل مشاهده‌ای از آن داشته باشد.

درس آلاسکا این است که وقتی مردم سهم واقعی و شفاف ببینند، اعتماد عمومی به مدیریت منابع ملی افزایش می‌یابد.

## ۳. عربستان؛ آرامکو و حرکت به سمت زنجیره ارزش

شرکت آرامکو فقط صادرکننده نفت خام نیست؛ این شرکت با سرمایه‌گذاری در پالایشگاه‌ها، پتروشیمی، فناوری و بازارهای جهانی، تلاش کرده ارزش افزوده نفت را افزایش دهد. عرضه بخشی از سهام آرامکو نیز نشان داد که حتی شرکت‌های بزرگ نفتی می‌توانند به شکل کنترل‌شده وارد بازار سرمایه شوند و مردم سرمایه‌گذاران در مالکیت آن مشارکت کنند.

درس این تجربه آن است که ارزش واقعی نفت، فقط در استخراج نیست؛ در پالایش، پتروشیمی، محصولات نهایی، فناوری و بازار جهانی است.

## ۴. کره جنوبی؛ بدون نفت، اما با زنجیره ارزش

کره جنوبی منابع نفتی بزرگی ندارد، اما با اتکا به صنعت، فناوری، آموزش و صادرات، توانست از کشوری کم‌درآمد به اقتصادی پیشرفته تبدیل شود. کره نفت را خام نمی‌فروشد، بلکه با واردات مواد خام و تبدیل آن به محصول صنعتی، ارزش افزوده خلق می‌کند.

درس کره جنوبی برای ایران بسیار مهم است: کشوری که نفت ندارد توانسته با صنعت و فناوری ثروت بسازد؛ پس کشوری که نفت، گاز، نیروی انسانی و بازار منطقه‌ای دارد، اگر زنجیره ارزش را کامل کند، ظرفیت بسیار بزرگ‌تری خواهد داشت.

## ۵. مالزی؛ پیوند منابع، صنعت و توسعه محلی

مالزی در حوزه‌هایی مانند انرژی، نخل، صنایع تبدیلی و سرمایه‌گذاری‌های دولتی - مردمی، تلاش کرده منابع طبیعی را به زنجیره تولید و صادرات متصل کند. تمرکز این کشور بر ایجاد شرکت‌های ملی توانمند، تربیت نیروی انسانی و توسعه صنایع مرتبط بوده است.

درس مالزی این است که منابع طبیعی زمانی به رفاه عمومی تبدیل می‌شوند که با صنعت، آموزش، صادرات، مشارکت اجتماعی و توسعه محلی همراه شوند.

## عدهای قابل تأمل؛ ثروت اصلی در زنجیره ارزش است، نه خام‌فروشی

در اقتصاد نفت، هرچه از خام‌فروشی فاصله بگیریم و به سمت فرآوری، پتروشیمی، محصولات نهایی، خدمات فنی و صادرات دانش‌بنیان حرکت کنیم، ارزش افزوده بیشتر می‌شود.

برای فهم ساده موضوع، می‌توان چنین گفت:

- فروش نفت خام، کمترین سطح ارزش‌آفرینی است؛
- تبدیل نفت به فرآورده‌های پالایشی، ارزش بیشتری ایجاد می‌کند؛
- تبدیل آن به محصولات پتروشیمی، ارزش را چند برابر می‌کند؛
- تبدیل محصولات پتروشیمی به کالاهای نهایی مانند قطعات صنعتی، بسته‌بندی، تجهیزات، مواد پیشرفته، دارو، کود، الیاف، پلاستیک‌های مهندسی و محصولات صادراتی، ارزش افزوده بسیار بالاتری دارد.

در بسیاری از زنجیره‌های صنعتی، فاصله ارزش میان ماده خام و محصول نهایی می‌تواند چند برابر باشد. به زبان ساده، کشوری که نفت خام می‌فروشد، فقط بخشی از ثروت را دریافت می‌کند؛ اما کشوری که نفت را به محصول، فناوری، برند و بازار صادراتی تبدیل می‌کند، سهم اصلی ثروت را به دست می‌آورد.

بنابراین مردمی‌سازی اقتصاد نفت نباید فقط به معنای خرید اوراق یا دریافت سود باشد. هدف اصلی باید این باشد که مردم در تکمیل زنجیره ارزش شریک شوند؛ یعنی سرمایه‌های خرد وارد پروژه‌هایی شود که نفت و گاز را به کالا، خدمت، اشتغال، صادرات و دارایی پایدار خانوار تبدیل می‌کنند.

## **طرح پیشنهادی؛ مردم چگونه وارد اقتصاد نفت شوند؟**

طرح پیشنهادی این یادداشت، ایجاد یک معماری شفاف برای مشارکت مردم در پروژه‌های پایین‌دستی و مکمل نفت و گاز است. این مشارکت می‌تواند از مسیرهای مختلف انجام شود.

### **۱. صندوق‌های مشارکت منطقه‌ای**

در مناطق نفت خیز، بخشی از پروژه‌های پایین‌دستی و اشتغال‌زا می‌تواند از طریق صندوق‌های منطقه‌ای تأمین مالی شود. مردم همان منطقه، کارکنان صنعت نفت، بازنشستگان، معلمان، کارگران، اصناف و سرمایه‌گذاران خرد می‌توانند در این صندوق‌ها سهم داشته باشند.

این صندوق‌ها باید فقط روی پروژه‌های واقعی و قابل سنجش سرمایه‌گذاری کنند؛ مانند واحدهای کوچک پتروشیمی، بازیافت ضایعات نفتی، تولید روان‌کننده‌ها، کارگاه‌های خدمات فنی، نیروگاه‌های کوچک، پروژه‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی و صنایع جانبی.

### **۲. اوراق سرمایه‌گذاری خرد مبتنی بر تولید واقعی**

به جای اوراق مبهم و غیرقابل فهم، باید اوراقی منتشر شود که پشتوانه آن یک پروژه مشخص باشد. مردم باید بدانند پولشان وارد کدام پروژه می‌شود، آن پروژه چه زمانی بهره‌برداری می‌شود، چه محصولی تولید می‌کند، خوراک خود را چگونه تأمین می‌کند، محصول خود را در چه بازاری می‌فروشد و سود آن چگونه تقسیم می‌شود.

اوراق خرد نفتی باید با مبالغ پایین قابل خرید باشد تا مشارکت فقط مخصوص ثروتمندان نباشد.

### **۳. صندوق بیمه ریسک انرژی**

بسیاری از مردم به دلیل ترس از زیان، وارد سرمایه‌گذاری‌های مولد نمی‌شوند. برای حل این مسئله، باید صندوق بیمه ریسک طراحی شود. این صندوق می‌تواند بخشی از ریسک پروژه‌ها را پوشش دهد، به‌ویژه برای سرمایه‌گذاران خرد، دهک‌های کم‌درآمد و مددجویانی که قرار است به تدریج در مالکیت دارایی‌های مولد سهیم شوند.

هدف این نیست که سود غیرواقعی تضمین شود؛ هدف این است که ریسک‌ها شفاف، قابل مدیریت و قابل بیمه‌کردن باشند.

#### ۴. بازار دوم مشارکت خرد نفت

یکی از دلایل بی‌اعتمادی مردم به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، نبود امکان خروج است. اگر فردی سهمی از یک پروژه خرید، باید بتواند در یک بازار شفاف و قانونی، سهم خود را بفروشد.

بازار دوم مشارکت خرد نفت، نقدشوندگی را افزایش می‌دهد و سرمایه‌گذاری را برای مردم جذاب‌تر می‌کند.

#### ۵. کیف پول دیجیتال بازده انرژی

هر مشارکت‌کننده باید بتواند در یک سامانه ساده و قابل فهم، سهم خود، وضعیت پروژه، میزان تولید، سود تحقق‌یافته، زمان پرداخت، گزارش‌های مالی، وضعیت خرید خوراک، فروش محصول و عملکرد زیست‌محیطی پروژه را مشاهده کند.

شفافیت، بهترین ابزار اعتمادسازی است.

#### نقش حاکمیت؛ از تصدی‌گری تا تنظیم‌گری هوشمند

در الگوی مردمی‌سازی اقتصاد نفت، حاکمیت نباید صرفاً نقش مالک، مجوزدهنده و توزیع‌کننده درآمد را ایفا کند. نقش اصلی دولت و نهادهای عمومی باید تنظیم‌گری، نظارت، تسهیل‌گری، تضمین شفافیت و جهت‌دهی امتیازها به سمت منافع عمومی باشد.

حاکمیت می‌تواند تمام امتیازها و حمایت‌های خود را به تحقق چند شرط روشن وابسته کند: مشارکت واقعی مردم، تکمیل زنجیره ارزش، شفافیت مالی، فروش و خرید در بسترهای شفاف، اشتغال محلی، استقلال اقتصادی خانوارهای کم‌برخوردار و رعایت استانداردهای محیط‌زیستی.

به بیان دقیق‌تر، اعطای مجوزهای خاص، تخصیص خوراک، خرید تضمینی محصول، حمایت‌های زیرساختی، تسهیلات بانکی، اعطای زمین، معافیت‌های مالیاتی و سایر امتیازهای اقتصادی نباید بدون تعهد تولیدی، اجتماعی و زیست‌محیطی انجام شود.

در این مدل، هر پروژه‌ای که از منابع عمومی، امتیازهای دولتی یا حمایت‌های حاکمیتی استفاده می‌کند، باید سهم مشخص و قابل سنجشی برای مشارکت مردم داشته باشد؛ به‌ویژه برای:

خانوارهای کم‌درآمد؛

مددجویان نهادهای حمایتی؛

جوانان مناطق نفت‌خیز؛

زنان سرپرست خانوار؛

نیروهای بومی و محلی؛

گروه‌هایی که با ورود تدریجی و متناسب به مالکیت دارایی‌های مولد، می‌توانند از وابستگی معیشتی فاصله بگیرند.

هدف این سیاست، توزیع کمک‌های مقطعی نیست؛ هدف، استقلال مالی تدریجی مددجویان و کاهش پایدار جمعیت دهک‌های کم‌برخوردار از طریق سهام‌کردن آنان در پروژه‌های واقعی، درآمدزا، قابل نظارت و متناسب با ظرفیت مالی، مهارتی و منطقه‌ای آنان است.

در چنین مدلی، حمایت اجتماعی از شکل یارانه‌ای و مصرفی فاصله می‌گیرد و به مالکیت، تولید، مهارت و درآمد پایدار پیوند می‌خورد.

**طرح توجیهی؛ هر پروژه باید قبل از جذب پول مردم قابل دفاع باشد**

مشارکت مردم در اقتصاد نفت فقط زمانی قابل قبول است که هر پروژه، پیش از جذب سرمایه، دارای طرح توجیهی روشن و قابل بررسی باشد. هیچ پروژه‌ای نباید صرفاً با شعار، تبلیغ یا نام یک نهاد معتبر، سرمایه مردم را جذب کند.

## **طرح توجیهی هر پروژه باید حداقل شامل این موارد باشد:**

### **۱. معرفی دقیق پروژه**

باید مشخص باشد پروژه چیست، در کجا اجرا می‌شود، چه محصول یا خدمتی تولید می‌کند، چه نیازی را پاسخ می‌دهد و چرا اجرای آن ضروری است.

### **۲. برآورد سرمایه‌گذاری اولیه**

هزینه زمین، تجهیزات، مجوزها، نیروی انسانی، فناوری، نصب، راه‌اندازی، مواد اولیه، خوراک، زیرساخت و سرمایه در گردش باید شفاف اعلام شود.

### **۳. بازار فروش و مشتریان هدف**

باید روشن باشد محصول پروژه به چه کسی فروخته می‌شود، بازار داخلی یا صادراتی آن کجاست، رقبای آن چه کسانی هستند، آیا امکان عرضه در بورس کالا یا بورس انرژی وجود دارد و آیا قرارداد خرید یا تضمین فروش برای آن پیش‌بینی شده است یا نه.

### **۴. دوره ساخت و زمان بهره‌برداری**

مردم باید بدانند پول آن‌ها چه مدت درگیر پروژه خواهد بود و پروژه چه زمانی به مرحله تولید و درآمد می‌رسد.

### **۵. برآورد سودآوری و بازگشت سرمایه**

نرخ بازده مورد انتظار، دوره بازگشت سرمایه و سناریوهای خوش‌بینانه، واقع‌بینانه و بدبینانه باید اعلام شود. اگر بازده پروژه به قیمت خوراک، نرخ ارز، قیمت جهانی محصولات، فروش صادراتی یا خرید تضمینی وابسته است، این وابستگی باید شفاف بیان شود.

## ۶. تحلیل ریسک

ریسک فناوری، ریسک بازار، ریسک تأمین خوراک، ریسک فروش محصول، ریسک مجوز، ریسک مدیریتی، ریسک نقدشوندگی و ریسک‌های زیست‌محیطی باید بررسی شود.

## ۷. برنامه خروج سرمایه‌گذار

سرمایه‌گذار خرد باید بداند اگر پیش از پایان پروژه نیاز به نقد کردن سرمایه خود داشت، از چه مسیری می‌تواند خارج شود.

## ۸. پیوست اجتماعی، منطقه‌ای و محیط‌زیستی

هر پروژه باید توضیح دهد چه تعداد شغل ایجاد می‌کند، چه سهمی برای نیروهای محلی دارد، چه منافی برای دهک‌های کم‌برخوردار ایجاد می‌کند، چه کمکی به استقلال مالی مددجویان می‌کند و چه اثری بر آب، خاک، هوا، سلامت منطقه و منابع طبیعی دارد.

## بازگشت سرمایه؛ سود باید واقعی، شفاف و متناسب با ریسک باشد

در این مدل، وعده سودهای غیرواقعی خطرناک است. اگر قرار است اعتماد عمومی ساخته شود، باید از ابتدا به مردم صادقانه گفته شود که سرمایه‌گذاری در پروژه‌های تولیدی، هم فرصت دارد و هم ریسک.

بازگشت سرمایه در پروژه‌های پایین‌دستی نفت و انرژی می‌تواند از چند مسیر تأمین شود:

- فروش محصول نهایی؛
- عرضه محصول در بورس کالا، بورس انرژی یا بازارهای رسمی؛

- صرفه‌جویی حاصل از کاهش هدررفت انرژی؛
- قراردادهای خرید تضمینی؛
- صادرات محصولات پایین‌دستی؛
- اجاره یا بهره‌برداری از تجهیزات؛
- فروش خدمات فنی و نگهداری؛
- افزایش ارزش سهام پروژه پس از بهره‌برداری.

برای پروژه‌های کوچک و متوسط، دوره بازگشت سرمایه باید به‌صورت واقع‌بینانه طراحی شود. برخی پروژه‌ها ممکن است در دو تا چهار سال به بازگشت سرمایه برسند و برخی پروژه‌های بزرگ‌تر به زمان بیشتری نیاز داشته باشند. اصل مهم این است که زمان بازگشت سرمایه، نه پنهان بماند و نه با وعده‌های غیرواقعی کوتاه جلوه داده شود.

### **معماری قواعد؛ ستون‌های اعتماد در مردمی‌سازی اقتصاد نفت**

مردمی‌سازی اقتصاد نفت بدون قواعد حرفه‌ای، می‌تواند به بی‌اعتمادی، رانت، فساد یا زیان سرمایه‌گذاران خرد منجر شود. بنابراین، پیش از اجرای گسترده این مدل، باید معماری قواعد آن به‌صورت دقیق طراحی شود.

#### **۱. شفافیت بر خط و عمومی**

همه پروژه‌ها باید دارای صفحه اطلاعاتی عمومی باشند. در این صفحه، اطلاعات مالی، پیشرفت فیزیکی، قراردادها، مدیران، پیمانکاران، زمان‌بندی، ریسک‌ها، گزارش‌های حسابرسی، وضعیت خرید خوراک، فروش محصول و عملکرد محیط‌زیستی منتشر شود.

مردم باید بتوانند وضعیت پروژه را ببینند، نه اینکه فقط به گزارش‌های کلی و تبلیغاتی اکتفا کنند.

#### **۲. شفافیت در خرید خوراک و فروش محصول از مسیر بورس**

برای جلوگیری از رانت، یکی از مهم‌ترین قواعد این معماری، استفاده از ظرفیت بازار سرمایه و بورس‌های کالایی است. خرید خوراک و فروش محصول، تا حد امکان، باید از مسیرهای شفاف و قابل ردیابی مانند بورس کالا، بورس انرژی و سازوکارهای رسمی بازار سرمایه انجام شود.

وقتی خوراک پروژه‌ها در یک سازوکار شفاف عرضه شود، امکان تبعیض، امتیازدهی پنهان، قیمت‌گذاری غیررسمی و دسترسی رانتهی کاهش می‌یابد. همچنین وقتی محصول نهایی پروژه‌ها در بورس یا بازارهای رسمی فروخته شود، مردم می‌توانند قیمت فروش، میزان عرضه، تقاضا، درآمد و عملکرد واقعی پروژه را مشاهده کنند. این موضوع برای سرمایه‌گذاران خرد اهمیت اساسی دارد؛ زیرا سود آنان به فروش واقعی محصول وابسته است. اگر خرید خوراک و فروش محصول در فضای مبهم انجام شود، امکان ارزیابی سودآوری پروژه از بین می‌رود. اما اگر این فرایندها در بورس و سامانه‌های شفاف ثبت شود، طرح توجیهی، بازگشت سرمایه، سود تقسیمی و عملکرد مدیران قابل سنجش خواهد بود.

بنابراین، بورس فقط محل معامله نیست؛ در این مدل، بورس به یکی از ستون‌های شفافیت، قیمت‌گذاری عادلانه، کاهش رانت و اعتمادسازی عمومی تبدیل می‌شود.

### ۳. حسابرسی مستقل

هیچ پروژه‌ای نباید بدون حسابرس مستقل اجازه جذب سرمایه عمومی داشته باشد. حسابرس باید گزارش‌های دوره‌ای منتشر کند و این گزارش‌ها برای مردم قابل دسترسی باشد.

### ۴. افشای تعارض منافع

اگر مدیر پروژه، پیمانکار، نهاد ناظر، بانک عامل یا شرکت تأمین‌کننده با یکدیگر رابطه مالکیتی، خانوادگی یا سازمانی دارند، باید آشکارا اعلام شود. پنهان کردن تعارض منافع، آغاز بی‌اعتمادی است.

### ۵. رتبه‌بندی ریسک پروژه‌ها

همه پروژه‌ها نباید با یک ادبیات معرفی شوند. پروژه کم‌ریسک، متوسط و پرریسک باید از هم جدا شود. سرمایه‌گذار خرد حق دارد بداند پروژه‌ای که وارد آن می‌شود چه سطحی از ریسک دارد.

### ۶. سقف سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران خرد

برای جلوگیری از آسیب به خانوارها، باید سقف سرمایه‌گذاری متناسب با درآمد و وضعیت مالی افراد تعیین شود. هیچ خانواده‌ای نباید با فروش دارایی ضروری خود وارد پروژه پریسک شود.

## ۷. بازار ثانویه و امکان خروج

نقدشوندگی، شرط اعتماد است. اگر مردم بدانند سهم آن‌ها در صورت نیاز قابل فروش است، با اطمینان بیشتری وارد سرمایه‌گذاری می‌شوند.

## ۸. شرط‌مندی امتیازها و حمایت‌ها

تمام امتیازهای حاکمیتی، از جمله مجوزهای خاص، تخصیص خوراک، خرید تضمینی، حمایت‌های زیرساختی، تسهیلات، زمین و معافیت مالیاتی، باید مشروط به تحقق چند معیار روشن باشد:

- مشارکت واقعی مردم؛
- تکمیل زنجیره ارزش؛
- شفافیت مالی و معاملاتی؛
- خرید خوراک و فروش محصول در بسترهای شفاف مانند بورس کالا و بورس انرژی؛
- ایجاد اشتغال محلی؛
- سهم‌دهی به دهک‌های کم‌برخوردار و مددجویان نهادهای حمایتی؛
- رعایت استانداردهای محیط‌زیستی؛
- ارائه گزارش عمومی عملکرد؛
- امکان نظارت مردمی و حسابرسی مستقل.

این شرط‌مندی، مرز میان حمایت توسعه‌ای و رانت اقتصادی را روشن می‌کند. حمایت زمانی قابل دفاع است که به تولید، عدالت، شفافیت و ارزش افزوده منجر شود.

## ۹. پیوست ضد رانت

هر پروژه باید پیوست ضد رانت داشته باشد؛ یعنی مشخص کند زمین، مجوز، خوراک، تسهیلات، معافیت مالیاتی، خرید تضمینی و قرارداد فروش چگونه تخصیص یافته است. هیچ امتیازی نباید بدون رقابت، شفافیت و تعهد اجتماعی واگذار شود.

#### ۱۰. پیوند حمایت اجتماعی با مالکیت مولد

حمایت از مددجویان و دهک‌های کم‌برخوردار باید از پرداخت‌های صرفاً مصرفی فراتر رود. بخشی از ظرفیت پروژه‌های مردمی نفت می‌تواند به سهام‌سازی تدریجی این گروه‌ها اختصاص یابد؛ به گونه‌ای که افراد متناسب با ظرفیت مالی، مهارتی و منطقه‌ای خود وارد مالکیت دارایی‌های مولد شوند.

این رویکرد می‌تواند مسیر خروج پایدار از فقر را تقویت کند؛ زیرا فرد به جای دریافت کمک مقطعی، در یک دارایی درآمدزا شریک می‌شود.

#### ۱۱. پیوست محیط‌زیستی الزام‌آور

مردمی‌سازی اقتصاد نفت نباید به معنای گسترش بی‌قاعده صنایع آلاینده باشد. هر پروژه نفتی، پالایشی، پتروشیمی یا پایین‌دستی که با سرمایه مردم اجرا می‌شود، باید پیش از جذب سرمایه عمومی، پیوست محیط‌زیستی قابل انتشار داشته باشد.

این پیوست باید میزان مصرف آب، مصرف انرژی، آلاینده‌گی هوا، مدیریت پسماند، اثر بر خاک، اثر بر سلامت منطقه و برنامه کاهش یا جبران آسیب‌ها را روشن کند.

حمایت‌های دولتی، معافیت مالیاتی، تخصیص خوراک، تسهیلات بانکی، مجوز توسعه و خرید تضمینی باید به رعایت استانداردهای محیط‌زیستی وابسته شود. پروژه‌ای که به منطقه آسیب می‌زند، منابع آب را فرسوده می‌کند، پسماند خطرناک تولید می‌کند یا سلامت مردم را تهدید می‌کند، حتی اگر سودآور باشد، نباید در اولویت حمایت قرار گیرد.

#### ۱۲. اولویت با تکمیل زنجیره ارزش

پروژه‌هایی که فقط ظاهر مشارکت مردمی دارند، اما به تولید و ارزش افزوده منجر نمی‌شوند، نباید در اولویت قرار گیرند. اولویت باید با پروژه‌هایی باشد که خام‌فروشی را کاهش می‌دهند، اشتغال ایجاد می‌کنند و محصول نهایی تولید می‌کنند.

### ۱۳. سهم اجتماعی و منطقه‌ای

در مناطق نفت‌خیز، بخشی از منافع پروژه‌ها باید به توسعه محلی، آموزش مهارتی، بهداشت، زیرساخت، اشتغال جوانان منطقه و سهام‌سازی خانوارهای کم‌برخوردار اختصاص یابد. این سهم باید از ابتدا در قراردادها ثبت شود.

### ۱۴. نظارت چندلایه

نظارت باید هم دولتی، هم مردمی، هم تخصصی و هم مالی باشد. اتکا به یک نهاد ناظر کافی نیست. ترکیب حسابرس مستقل، نهاد تنظیم‌گر، نماینده سرمایه‌گذاران، ناظر فنی، ناظر محیط‌زیست و سامانه شفافیت، امنیت پروژه را افزایش می‌دهد.

### مسیرهای عملیاتی پیشنهادی

برای اجرای این مدل، می‌توان مجموعه‌ای از اقدامات مرحله‌ای را تعریف کرد.

#### بخش اول: ابزارهای مالی خرد و شفاف

- ایجاد صندوق‌های مشارکت منطقه‌ای؛
- انتشار اوراق خرد نفتی مبتنی بر پروژه واقعی؛
- راه‌اندازی صندوق بیمه ریسک انرژی؛
- طراحی بلیت‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت انرژی؛
- ایجاد کیف پول دیجیتال بازده انرژی؛
- ایجاد بازار دوم مشارکت خرد نفت؛
- تخصیص بخشی از سود پروژه‌ها به خدمات اجتماعی محلی؛

- تشکیل صندوق‌های مشارکت خرد گروهی؛
- طراحی کارت‌های اعتباری انرژی؛
- ایجاد نظام امتیازدهی برای مشارکت فعال مردم؛
- اختصاص سهم مشخص برای سهام‌سازی تدریجی دهک‌های کم‌برخوردار و مددجویان نهادهای حمایتی.

### بخش دوم: فناوری، شفافیت و آموزش

- ایجاد سامانه رهگیری ارزش نفت تا سرمایه‌گذار؛
- طراحی اپلیکیشن آموزش و مشارکت انرژی؛
- استفاده از حسگرها و سامانه‌های پایش بهره‌وری؛
- راه‌اندازی پلتفرم جمع‌سپاری ایده‌های مردمی؛
- تولید محتوای آموزشی درباره مسیر نفت تا درآمد خانوار؛
- شبیه‌سازی سرمایه‌گذاری بدون ریسک برای آموزش مردم؛
- اطلاع‌رسانی فرصت‌های خرد سرمایه‌گذاری؛
- تحلیل ساده و قابل فهم بازده پروژه‌ها؛
- انتشار عمومی اطلاعات خرید خوراک و فروش محصول؛
- اتصال سامانه‌های پروژه به داده‌های بورس کالا، بورس انرژی و بازارهای رسمی؛
- گزارش‌دهی عمومی درباره هزینه، سود، فناوری، پیشرفت پروژه و اثرات محیط‌زیستی.

### بخش سوم: مشارکت مستقیم در تولید و بهره‌وری

- ایجاد پروژه‌های کوچک انرژی جانبی محلی؛
- راه‌اندازی کارگاه‌های فنی تعمیر و نگهداری تجهیزات؛
- بهره‌برداری محلی از منابع کوچک گازی یا نفتی با مدیریت شفاف؛
- تولید محصولات پایین‌دستی مانند روان‌کننده‌ها، پلاستیک‌ها و محصولات پتروشیمی؛
- اجرای پروژه‌های کاهش ضایعات و هدررفت انرژی؛
- تمرکز پروژه‌ها در مناطق نفت‌خیز برای ایجاد اشتغال محلی؛

- طراحی پاداش بهره‌وری انرژی؛
- سرمایه‌گذاری مشارکتی در پروژه‌های روستایی؛
- ثبت و گزارش‌گیری مشارکت فعال مردم؛
- آموزش بهره‌برداری و مدیریت پروژه برای نیروهای محلی؛
- رعایت الزامات محیط‌زیستی در طراحی، اجرا و بهره‌برداری پروژه‌ها.

### بخش چهارم: فرهنگ‌سازی و انگیزش عمومی

- راه‌اندازی پویش‌های مردمی برای مشارکت در اقتصاد نفت؛
- برگزاری جشنواره ایده‌های مردمی نفت و انرژی؛
- تشکیل باشگاه علاقه‌مندان به اقتصاد نفتی؛
- ساخت مستند از تجربه‌های موفق سرمایه‌گذاری خرد؛
- آموزش کودکان و نوجوانان درباره منابع ملی و مشارکت اقتصادی؛
- بازدید عمومی از کارخانه‌ها و پروژه‌ها؛
- پویش کاهش هدررفت انرژی؛
- نمایشگاه محصولات پایین‌دستی محلی؛
- اعطای نشان افتخار مشارکت فعال؛
- روایت داستان‌های موفق خانوادگی و محلی؛
- معرفی نمونه‌های موفق خروج خانوارهای کم‌برخوردار از وابستگی معیشتی از مسیر مالکیت مولد.

### بخش پنجم: توسعه محلی، عدالت اجتماعی و اشتغال

- ایجاد کارخانه‌های کوچک پایین‌دستی با سرمایه مشارکتی مردم؛
- توانمندسازی زنان و جوانان محلی؛
- راه‌اندازی مراکز آموزش فنی و مهارتی؛
- اجرای پروژه‌های مشترک روستایی در حوزه انرژی؛
- ایجاد شبکه همیاران فنی محلی؛
- حمایت از کسب‌وکارهای خرد مرتبط با نفت و انرژی؛

- استفاده بهینه از ضایعات نفتی و انرژی جانبی؛
- ایجاد بازارهای محلی محصولات پایین‌دستی؛
- اجرای پروژه‌های آموزشی برای نوجوانان و جوانان؛
- راه‌اندازی سامانه مدیریت محلی پروژه‌های مردمی نفت؛ طراحی سازوکار ویژه برای سهام‌سازی مددجویان و خانوارهای کم‌برخوردار متناسب با ظرفیت مالی و مهارتی آنان.

### بخش ششم: قانون، نظارت و پشتیبانی

- طراحی قوانین تشویقی برای سرمایه‌گذاری خرد انرژی؛
- اعطای معافیت‌های مالیاتی هدفمند و مشروط؛
- تشکیل کمیته نظارت مردمی بر پروژه‌ها؛
- ایجاد سامانه شفاف پیگیری پروژه‌ها و گزارش‌دهی عمومی؛
- برگزاری همایش سالانه مردمی‌سازی اقتصاد نفت؛
- تدوین برنامه‌های بلندمدت مشارکت مردم در صنایع پایین‌دستی؛
- ارائه وام‌ها و تسهیلات خرد بانکی؛
- حمایت قانونی از آموزش مهارت‌های فنی مرتبط با نفت؛
- اعطای جوایز ملی برای ابتکارات مردمی در بهره‌وری و سرمایه‌گذاری؛
- ایجاد مرکز مشاوره حقوقی و فنی پروژه‌های مردمی نفت؛
- الزام پروژه‌های برخوردار از خوراک، زمین، تسهیلات، خرید تضمینی و معافیت مالیاتی به شفافیت کامل و رعایت پیوست‌های اجتماعی و محیط‌زیستی.

### موانع اصلی اجرای طرح

اجرای چنین طرحی بدون مانع نیست. اگر موانع از ابتدا دیده نشوند، طرح ممکن است در مرحله اجرا آسیب ببیند.

## ۱. بی‌اعتمادی عمومی

بخشی از مردم به دلیل تجربه‌های ناموفق گذشته، نسبت به سرمایه‌گذاری‌های عمومی بدبین هستند. این بی‌اعتمادی جدی است و نباید نادیده گرفته شود.

## ۲. بروکراسی اداری

پروژه‌های نفت، انرژی و صنایع پایین‌دستی معمولاً با مجوزهای متعدد، دستگاه‌های مختلف و فرایندهای طولانی روبه‌رو هستند. این موضوع می‌تواند سرعت اجرای طرح را کاهش دهد.

## ۳. خطر رانت و امتیازهای پنهان

اگر تخصیص زمین، خوراک، مجوز، تسهیلات، معافیت مالیاتی، خرید تضمینی یا قرارداد فروش شفاف نباشد، طرح مردمی به محملی برای رانت تبدیل می‌شود.

## ۴. ضعف مدیریت حرفه‌ای

سرمایه مردم را نمی‌توان با مدیریت غیرحرفه‌ای اداره کرد. پروژه‌های پایین‌دستی نیازمند مدیران مالی، فنی، حقوقی، محیط‌زیستی و بازاریابی توانمند هستند.

## ۵. ریسک فناوری و بازار

برخی پروژه‌ها ممکن است از نظر فنی یا تجاری به نتیجه مطلوب نرسند. اگر این ریسک‌ها از ابتدا توضیح داده نشود، زیان احتمالی به بحران اعتماد تبدیل می‌شود.

## ۶. نبود بازار ثانویه

اگر مردم نتوانند سهم خود را نقد کنند، مشارکت کاهش می‌یابد. نبود امکان خروج، یکی از مهم‌ترین موانع ورود سرمایه‌های خرد است.

## ۷. ناهماهنگی نهادی

برای اجرای این طرح، وزارت نفت، وزارت اقتصاد، بانک مرکزی، بازار سرمایه، نهادهای محلی، بخش خصوصی، سازمان محیط زیست و نهادهای نظارتی باید هماهنگ باشند. نبود هماهنگی، طرح را فرسایشی می‌کند.

## ۸. بی‌توجهی به محیط زیست

اگر پروژه‌ها بدون پیوست محیط‌زیستی و بدون توجه به مصرف آب، آلودگی هوا، پسماند و سلامت منطقه اجرا شوند، مردمی‌سازی اقتصاد نفت می‌تواند به نارضایتی اجتماعی و آسیب‌های پایدار منجر شود.

## راهکارهای رفع موانع

۱. شروع از پروژه‌های کوچک، واقعی و زودبازده

بهترین راه اعتمادسازی، شروع با پروژه‌های محدود، شفاف و قابل اجراست. پروژه‌های کوچک موفق، مردم را برای مشارکت در پروژه‌های بزرگ‌تر آماده می‌کند.

۲. ایجاد سامانه ملی شفافیت پروژه‌ها

تمام اطلاعات پروژه‌ها باید در یک سامانه عمومی منتشر شود؛ از طرح توجیهی و قراردادها تا پیشرفت فیزیکی، گزارش مالی، حسابرسی، خرید خوراک، فروش محصول، سود پرداختی و گزارش محیط‌زیستی.

۳. رتبه‌بندی رسمی پروژه‌ها

پروژه‌ها باید بر اساس ریسک، بازده، دوره اجرا، نیاز سرمایه، وضعیت مجوز، بازار فروش، تأمین خوراک و عملکرد محیط‌زیستی رتبه‌بندی شوند. این رتبه‌بندی باید ساده و برای مردم قابل فهم باشد.

۴. تربیت مدیران پروژه‌های مردمی

مدیریت پروژه‌های مردمی نیازمند ترکیب دانش مالی، فنی، حقوقی، اجتماعی، محیط‌زیستی و ارتباطی است. باید مدیرانی تربیت شوند که هم زبان صنعت را بفهمند و هم زبان مردم را.

۵. تضمین خرید برای پروژه‌های منتخب، اما مشروط

در برخی پروژه‌های راهبردی، دولت یا شرکت‌های بزرگ می‌توانند قرارداد خرید تضمینی یا بلندمدت بدهند تا ریسک بازار کاهش یابد. اما این تضمین باید مشروط به شفافیت مالی، رعایت استانداردهای محیط‌زیستی، مشارکت مردم و عرضه اطلاعات در سامانه‌های عمومی باشد.

۶. ایجاد بازار ثانویه قانونی

برای حفظ نقدشوندگی، باید بازاری شفاف برای خرید و فروش سهم پروژه‌ها ایجاد شود. این بازار باید تحت نظارت رسمی و با اطلاعات کامل فعالیت کند.

۷. آموزش سواد مالی عمومی

مردم باید بدانند سرمایه‌گذاری یعنی چه، ریسک چیست، سود واقعی چگونه محاسبه می‌شود، نقش بورس در شفافیت چیست و تفاوت پروژه مولد با طرح‌های سوداگرانه کجاست.

۸. پیوست ضد رانت برای همه پروژه‌ها

هیچ پروژه‌ای نباید بدون افشای امتیازها، قراردادها، ذی‌نفعان اصلی، نحوه تخصیص خوراک، زمین، تسهیلات، معافیت مالیاتی و خرید تضمینی مجوز جذب سرمایه عمومی بگیرد.

۹. مشارکت دانشگاه‌ها و مراکز فنی

دانشگاه‌ها، پارک‌های علم و فناوری، پژوهشکده‌ها، هنرستان‌ها و مراکز فنی‌وحرفه‌ای می‌توانند در ارزیابی، آموزش، فناوری، پایش، تربیت نیروی انسانی و ارزیابی اثرات محیط‌زیستی نقش مستقیم داشته باشند.

۱۰. سهام‌سازی دهک‌های کم‌برخوردار

برای آنکه این طرح فقط به نفع طبقات دارای سرمایه نباشد، باید بخشی از ظرفیت صندوقها و پروژهها به دهکهای کم درآمد، مددجویان و خانوارهای کمبرخوردار اختصاص یابد؛ البته نه به شکل صدقه‌ای، بلکه در قالب مالکیت واقعی و سهم از دارایی مولد.

این سهم‌سازی باید متناسب با ظرفیت مالی، مهارتی و منطقه‌ای افراد طراحی شود تا هم از ریسک بیش از حد جلوگیری کند و هم مسیر استقلال مالی تدریجی آنان را فراهم سازد.

#### ۱۱. الزام پیوست محیط‌زیستی

هر پروژه باید پیش از جذب سرمایه، پیوست محیط‌زیستی داشته باشد و عملکرد آن در دوره اجرا و بهره‌برداری به صورت عمومی گزارش شود. حمایت‌های حاکمیتی باید به رعایت این پیوست وابسته باشد.

### اثرات مورد انتظار طرح

اگر این مدل با دقت و شفافیت اجرا شود، می‌تواند چند اثر مهم بر اقتصاد ایران داشته باشد:

- افزایش سهم مردم از ثروت ملی؛
- هدایت سرمایه‌های خرد به سمت تولید؛
- کاهش خام‌فروشی و تکمیل زنجیره ارزش؛
- ایجاد اشتغال محلی، به‌ویژه در مناطق نفت‌خیز؛
- افزایش اعتماد عمومی از مسیر شفافیت؛
- کاهش رانت در تخصیص خوراک، زمین، مجوزها، تسهیلات و خرید تضمینی؛
- رشد صنایع پایین‌دستی و صادرات غیرخام؛
- تقویت عدالت اقتصادی؛
- سهم‌سازی تدریجی دهک‌های کم‌برخوردار در دارایی‌های مولد؛ کمک به استقلال مالی مددجویان نهاد‌های حمایتی؛
- افزایش بهره‌وری انرژی؛
- کاهش فاصله میان مردم و منابع ملی؛
- تقویت نظارت عمومی بر پروژه‌های اقتصادی؛
- تبدیل بورس کالا و بورس انرژی به ابزار شفافیت و اعتمادسازی؛

- توجه جدی‌تر به محیط زیست در توسعه صنایع نفت و انرژی؛
- تبدیل نفت از منبع بودجه‌ای دولت به دارایی مولد خانوار.

### **جمع‌بندی؛ نفت می‌تواند دوباره مردم را امیدوار کند**

مردمی‌سازی اقتصاد نفت، اگر درست طراحی شود، یکی از مهم‌ترین مسیرهای نوزایی اقتصادی ایران است. این طرح نه به معنای توزیع ساده درآمد نفتی است و نه به معنای واگذاری بی‌قاعده دارایی‌های ملی. سخن اصلی این است که مردم باید بتوانند در زنجیره واقعی تولید، فرآوری، بهره‌وری و ارزش‌آفرینی نفت و گاز شریک شوند.

نفت اگر خام فروخته شود، فقط بخشی از ظرفیت خود را نشان می‌دهد. اما اگر به پالایش، پتروشیمی، صنایع پایین‌دستی، فناوری، صادرات، اشتغال محلی و دارایی خانوار تبدیل شود، می‌تواند نقش تازه‌ای در اقتصاد ایران ایفا کند.

در این نگاه، مردم فقط تماشاگر اقتصاد نفتی نیستند؛ سهامدار، ناظر، ذی‌نفع و شریک توسعه‌اند. مناطق نفت‌خیز فقط محل استخراج نیستند؛ کانون تولید، مهارت، اشتغال و ارزش افزوده‌اند. دولت فقط توزیع‌کننده درآمد نفتی نیست؛ تنظیم‌گر، ناظر، تسهیل‌گر و تضمین‌کننده شفافیت است.

مردمی‌سازی اقتصاد نفت زمانی به نتیجه می‌رسد که حاکمیت، امتیازهای اقتصادی خود را به ابزار عدالت و تولید تبدیل کند. مجوز، خوراک، زمین، تسهیلات، خرید تضمینی، حمایت‌های ویژه و معافیت مالیاتی نباید بی‌قید و غیرشفاف توزیع شود؛ بلکه باید به پروژه‌هایی اختصاص یابد که مردم را سهامدار می‌کنند، زنجیره ارزش را کامل می‌کنند، محصول خود را در بازارهای شفاف عرضه می‌کنند، خوراک خود را از مسیرهای قابل ردیابی تأمین می‌کنند، به استقلال مالی دهک‌های کم‌برخوردار کمک می‌کنند و محیط زیست را جدی می‌گیرند.

اگر قواعد شفاف باشد، اگر طرح توجیهی واقعی باشد، اگر بازگشت سرمایه صادقانه توضیح داده شود، اگر خرید خوراک و فروش محصول در بورس کالا، بورس انرژی و بازارهای رسمی قابل ردیابی باشد، اگر رانت بسته شود، اگر مددجویان و خانوارهای کم‌برخوردار متناسب با ظرفیت خود در دارایی‌های مولد سهم شونند و اگر مردم حق نظارت داشته باشند، نفت می‌تواند از یک منبع زیرزمینی به سرمایه‌ای زنده در زندگی خانوار ایرانی تبدیل شود.

این همان نقطه‌ای است که اقتصاد نفتی ایران از بودجه دولت عبور می‌کند و به دارایی مردم، اشتغال جوانان، توسعه مناطق، تکمیل زنجیره ارزش، عدالت اجتماعی، حفظ محیط زیست و نوزایی اقتصادی کشور پیوند می‌خورد.